

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال پنجم شماره ۱۲۷

۲۵ تیر ۱۳۹۹ / ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۰

حقوق ما

وقف



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: احسان حسین‌زاده، سروناز رستگار، مصاحبه‌ها: علی‌اصغر فریدی

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

وقف و الزامات حقوق مدرن

اموال عمومی قابل وقف نیستند

تهران‌خواری با جعل وقف‌نامه دوران صفوی

وقف، همان «نهادک» در زبان پهلوی باستان است

وقف دماوند، قله کوه یخ وقف در ایران

سروناز رستگار

از تلاش برای تصرف جنگل‌ها هیرکانی تا دامنه کوه دماوند، موقوفاتی که تنها قله کوه یخ [سازمان اوقاف و امور خیریه](#)^۱ در ایران را نشان می‌دهد. سازمانی که از سال ۱۳۶۳ به عنوان یکی از سازمان‌های تابعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تاسیس شد اما رئیس آن را نه وزیر فرهنگ و ارشاد بلکه رهبر جمهوری اسلامی تعیین می‌کند، رهبری که نظارت کامل بر میلیون‌ها سند وقفی و درآمدهای حاصل از آنها را در اختیار خود گرفته است.

آخرین بار، در سال ۱۳۸۹ مسئولان سازمان اوقاف ارزش موقوفات کشور را [۵۰ میلیارد دلار](#)^۲ اعلام کردند و پس از آن هیچ خبری مبنی بر ارزش این اموال اعلام نشده است. تنها درآمد موقوفات این سازمان سالانه بالغ بر [هزار میلیارد تومان](#)^۳ برآورد می‌شود، این در حالی است که اساساً این نهاد زیر نظر رهبری، به عنوان [بزرگ‌ترین سرمایه‌دار بعد از دولت](#)^۴ از هر نظارتی معاف است.

در سال‌های اخیر سازمان اوقاف تلاش کرده تا با تشکیل [سامانه جامع اطلاعات موقوفات](#) همه اطلاعات مربوط به این اموال فراوان و گسترده را سامان دهد، اطلاعات این سامانه اما هنوز در اختیار مردم قرار نگرفته است.

1. <https://bit.ly/3lu3z0q>
2. <https://bit.ly/34GhRVP>
3. <https://bit.ly/3ltWcGi>
4. <https://bit.ly/2GayxKT>

با اینکه براساس قانون تمامی نهادهای دولتی موظف به ثبت قراردادهای خود در سامانه قراردادها شده‌اند، اما به‌جز چند مورد قرارداد اجاره در استان تهران، هیچ نشانی از سازمان اوقاف در [سامانه شفافیت قراردادها](#) دیده نمی‌شود.

نگاهی به مهم‌ترین موقوفات در ایران نشان می‌دهد که تلاش برای به تملک درآوردن بخشی از جنگل‌های هیرکانی و دامنه کوه دماوند، ادامه روند گسترش تسلط رهبر جمهوری اسلامی بر کشور است، املاکی که درآمد حاصل از آنها می‌تواند صرف تامین هزینه‌های اجرای دستورات او شود.

بازار تهران

حدود ۵۰ درصد از بازار تهران را موقوفات تشکیل می‌دهند. یکی از بزرگ‌ترین موقوفات بازار موقوفه وزیر علی‌آبادی است. این موقوفه شامل سه پاساژ است که این سه پاساژ و مغازه‌های کناری‌اش تقریباً ششصد رقبه می‌شود که این ششصد رقبه بیشترشان تجار فرش هستند. چهارصد نفر از این تجار، تاجرهای پارچه هستند.

در سال‌های اخیر از وقف‌هایی نیز به طور مشخص برای تامین هزینه‌های اهداف علی‌خامنه‌ای اختصاص یافته است. از جمله فردی به نام «[علی‌اکبر ایلخانی](#)»^۱ شش دانگ ملک مسکونی در شمیران را برای «تحقیقات علمی، مقاومت اسلامی حزب الله لبنان» و همچنین ترویج قرآن وقف کرده است.

علاوه بر این‌ها دو محله در تهران به نام‌های محله اوقاف و محله علم و صنعت نیز متعلق به سازمان اوقاف است. محله اوقاف در حال حاضر از شمال به بزرگراه در دست ساخت وفادار، از جنوب به بلوار دلاوران، از شرق به خیابان اردیبهشت و از طرف غرب به خیابان هنگام منتهی می‌شود و ۴۲۰۵۲ نفر جمعیت را در خود جای داده است. مرز جنوبی اوقاف تا قبل از تقسیمات سال ۸۷ شهرداری و شورای شهر تا خیابان فرجام ادامه داشت و به همین دلیل محدوده ی جغرافیایی بزرگی را در بر می‌گرفت. مساحت کنونی محله اوقاف یک میلیون و ۶۵۰ هزار و ۱۲۷ مترمربع است.

بخشی از [شهرک غرب](#) نیز از اموال آستان قدس رضوی است. بدین ترتیب مجتمع‌های تجاری گلستان و ایران زمین، بیمارستان بهمن، شهرک بیمارستان در حال احداث پاک، کارواش بزرگ شهرک غرب، فرهنگسرا و سینمای بوعلی، پردیسان، مجتمع‌های سعدی، حافظ، خیام و نظامی در اطراف میدان صنعت، مجتمع‌های آپادانا، پرسپولیس، پاسارگاد،

1. <https://bit.ly/3lrpyFc>

برج‌های تهران، مجتمع‌های هرمان و مهستان و روی هم رفته ۴۰۰ هزار دستگاه خانه و ۷ هزار مجتمع مسکونی در زیر سایه وقف آستان قدس رضوی قرار دارند.

بزرگترین نهاد موقوفاتی جهان اسلام

یکی از مناقشه برانگیزترین موقوفاتی که تحت نظر رهبر جمهوری اسلامی از پرداخت مالیات نیز معاف شده است، آستان قدس رضوی است که مسئولیت موقوفات و نذورات امام هشتم شیعیان را که مرقدش در شهر مشهد است، بر عهده دارد. این سازمان را بزرگترین [نهاد موقوفاتی جهان اسلام](#)^۲ می‌دانند و براساس دست‌خطی از آیت‌الله خمینی از پرداخت مالیات معاف شده است. با این همه آستان قدس [مدعی است](#)^۳ که بیشتر شهرداری‌های کشور و به ویژه شهرداری تهران و دولت بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان به این سازمان بدهکار هستند.

بیش از ۴۰ درصد از کل مساحت شهر مشهد به این سازمان تعلق دارد و در سال ۹۴ ارزش تقریبی زمین‌های تحت اختیار آن ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. این سازمان اعلام کرده تا سال ۹۷ شش میلیون و ۷۰۰ هزار سند از اسناد موقوفه تحت نظرش را در سامانه جامع موقوفات کشور [ثبت](#)^۴ کرده است.

این سازمان سالانه تنها گزارش بخشی از فعالیت‌هایش را منتشر می‌کند به عنوان [نمونه](#)^۵ در یکی از گزارش‌های آستان قدس رضوی در سال ۹۸ آمده است: «امیرحسین خان نظام‌الدوله در سال ۱۲۹۱ قمری، نیمی از مزرعه محمدآباد خدربگ در مشهد قدیم را برای آستان قدس رضوی وقف کرده است. درآمد موقوفه باید صرف هزینه ایاب و ذهاب، اطعام و پوشاک زائران فقیر شود. در سال گذشته ۴۰۰ میلیون تومان از محل درآمد مجموعه موقوفات امیرحسین خان نظام‌الدوله به تأمین نیازهای ضروری زائران محروم اختصاص یافت.

همچنین از محل درآمد این موقوفه ۱۸۰ میلیون تومان برای بلیت اتوبوس، هواپیما و قطار جهت برگشت زائران در راه مانده از اقصی نقاط کشور و نیز خارج از ایران، ۱۰۰ میلیون تومان برای هزینه سفر، غذا و ایاب و ذهاب و ۱۲۰ میلیون تومان برای لباس و کفش زائران فقیر اختصاص داده شده است.»

2. <https://bbc.in/2G1jgf8>
3. <https://bit.ly/2EFQdNT>
4. <https://bit.ly/3gGTR74>
5. <https://bit.ly/3gH2FtG>



«ناهار اغنی»^۱ هم از جمله مراسم تحت نظر آستان قدس رضوی است. مطابق این وقف که فتحعلی خان (صاحب دیوان) از رجال دوره قاجار واقف آن بوده است، هر سال مصادف با سوم شعبان، در تالار تشریفات آستان قدس ضیافتی با سفره رنگین بر پا می‌شود که طبق وقف نامه غذاهای سر سفره باید هفت نوع باشد که شامل سوپ، دو رقم برنج، کوکو شیرین، سالاد الویه، گوشت و یک رقم خورش، نوشیدنی متعارف (نوشابه، دوغ و آب) می‌شود. این سفره رنگین هر سال با حضور مسئولان استانی، مدیران و صاحبان صنایع، بازرگانان و البته روحانیون گسترده می‌شود.

استقلال عملکرد آستان قدس رضوی تا آنجا پیش رفته که این سازمان سال ۹۷ اولین یگان ویژه حفاظت غیر وابسته به ارگان‌های نظامی را راه اندازی کرد. راه‌اندازی «یگان حفاظت آستان قدس رضوی»^۲ را می‌توان آغاز فصل جدیدی در فعالیت‌های این نهاد عظیم دانست. هرچند این اقدام با انتقاد برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، چون حشمت‌الله فلاحت پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی مواجه شد، اما انتقادها در همان سطح ماند و در زمان تولیت ابراهیم رئیسی، اقدام به ایجاد آن نهاد آغاز شد. رئیسی با بیان این که «همیشه اماکن مربوط به آستان مورد طمع افراد شرور و شیاد قرار دارد»، هدف از راه‌اندازی آن نهاد را «پیگیری قانونمند فعالیت‌هایی» دانست که «صبغه انتظامی دارند». **به گفته کارشناسان**، می‌توان این اقدام را شروع «ایجاد ارتش خصوصی» برای بنگاه‌های شبه‌دولتی دانست.

دامنه دماوند و جنگل‌های هیرکانی

بحث بر سر «اراضی مورد اختلاف اوقاف و منابع طبیعی» سال‌ها پیش از به میان آمدن نام دامنه دماوند و جنگل‌های هیرکانی آغاز شده بود. سال ۹۴ علی محمدی، نماینده پیشین ولی‌فقیه و رئیس وقت سازمان اوقاف **گفته** بود: «از سال‌های بسیار قبل سازمان اوقاف و سازمان جنگل‌ها و منابع طبیعی بر روی بسیاری از اراضی اختلاف داشتند... با پیگیری‌های مستمر و طی تفاهم‌نامه منعقد شده از یک و نیم میلیون هکتار اراضی مورد اختلاف تاکنون یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی تعیین تکلیف شده است.» و این مساحت یعنی **یک سیزدهم کل اراضی کشاورزی ایران!**^۳

1. <https://bit.ly/3ltVYPp>
2. <https://hefa.razavi.ir/>
3. <https://bit.ly/2EJCB3V>

با وجود گستردگی املاک متعلق به سازمان اوقاف دیگر شنیدن این که سازمان اوقاف، خبر وقف دماوند را «تشویش اذهان عمومی» خوانده و وقف پلاک‌های یاد شده در قریه و مراتع ملار در سال ۱۳۸۴ را قانونی و تثبیت شده اعلام کرده است، عجیب به نظر نمی‌رسد.

سخنگوی قوه قضاییه و **سازمان اوقاف**^۴، هم‌داستان با یکدیگر، این اراضی را مراتعی خوانده‌اند که ۹۰ سال قبل به نام پهلوی اول صادر شده بود اما با اعتراض مرتع‌داران باطل شد و آنها این زمین را وقف کردند: «... به دلیل این‌که این موقوفه به تملک پهلوی اول در آمده بود، در سال ۱۳۲۳ در دادگاه به وقفیت برگشت و در سال ۳۷۴ وقفیت پلاک ۶۸ و ۶۹ اصلی بخش ۷ لاریجان محرز شد.»

این در حالی است که کوه دماوند در سال ۱۳۸۷ به عنوان نخستین اثر طبیعی در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده و جزء مناطق تحت مدیریت وزارت میراث فرهنگی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری به شمار می‌رود.

با اعلام خبر وقف دامنه دماوند در روزنامه همشهری و توجه افکار عمومی به آن تلاش برای روشن شدن ماجدا به آنجا رسید که سازمان اوقاف از این قائله خارج شد و **صادق سعادتیان**^۵، معاون امور املاک و کاداستر سازمان ثبت اسناد و

4. <https://bit.ly/34QcFyN>
5. <https://bit.ly/2QDDI85>

املاک ایران خبر داد که یک تیم ویژه، توانسته سند مالکیت ارضی یال جنوب شرقی دماوند را به نام دولت صادر کند و دیگر حتی یک سانتیمتر از اراضی منطقه وقف نیست. او از ثبت آخرین یال قله دماوند به نام دولت خبر داد و گفت: «در آن قسمت مورد اختلاف پلاک‌های ثبتی ۶۸ و ۶۹ نیز موضوع در دست بررسی است و قطعا با حکم قضایی حفظ خواهد شد.»

با این همه **اسکان نیوز**^۱ اعلام کرده که هر چند برش قله دماوند در یک مطالبه‌گری مدنی و بدون خشونت مردم نتیجه داده و از وقف در آمده، اما همه دماوند آزاد نشده است.

این وبسایت می‌نویسد پلاک‌های ثبتی ۶۸ و ۶۹ از وقف در نیامده‌اند: «در ساعت ۱۲ و نیم دیشب و نخستین دقایق بامداد ۸ مرداد ۹۹، رئیس اداره منابع طبیعی آمل، کارشناسان اداره کل منابع طبیعی مازندران و مسئولان ثبت اسناد رینه، در اداره ثبت اسناد رینه حاضر شدند تا مشکل را به نفع اراضی ملی حل کنند اما قسمت مورد اختلاف یعنی پلاک‌های ثبتی ۶۸ و ۶۹ از ثبت در نیامده‌اند.»

حکایت وقف جنگل‌های هیرکانی اما حکایت دیگری است. **یک روحانی**^۲ با در دست داشتن سندی از سال ۱۲۱۸ قمری مدعی شده که متولی موقوفه میر عبدالله ساروی است که در سال ۱۲۱۸ قمری اموالش را وقف کرده است.

1. <https://bit.ly/2G1B7CG>
2. <https://bit.ly/3jnLmja>

تلاش‌های سازمان جنگل‌ها از سال‌ها پیش برای حفظ مالکیت این جنگل‌ها بی‌نتیجه مانده و در نهایت شعبه ۱۱ دادگاه استان مازندران به جای رفع نقص، بدون تشکیل جلسه و بدون آنکه از منابع طبیعی به عنوان طرف دعوا توضیح بخواهد می‌گوید که این عرصه **وقف است نه ملی**.^۳

حالا ۵۶۰۰ هکتار (معادل ۵۱۸۵ زمین فوتبال) از جنگل‌های بکر هیرکانی که سال گذشته به عنوان میراث جهانی توسط یونسکو به ثبت رسید عملا در اختیار یک فرد در آمده است و تحت عنوان موقوفه در اختیار متولی است. هر چند سازمان جنگل‌ها می‌گوید در تلاش است تا در این حکم تغییر ایجاد کند.

وقف^۴ در لغت به معنای ایستادن و آرام گرفتن است و در اصطلاح فقهی، نگهداشتن و حبس کردن عین ملک است و مصرف کردن منافع آن در راه خدا. برخی از فقها گویند وقف حبس عین است بر ملک خدای تعالی. محقق حلی در شرایع می‌نویسد: «وقف عقدی است که ثمره آن حبس اصل و تسبیل منافع است(تسبیل منافع یعنی صرف کردن مال در جهتی که واقف تعیین کرده است).

نگاهی به آنچه در حوزه وقف می‌گذرد نشان می‌دهد که میان آنچه نوشته شده و آنچه در عمل رخ می‌دهد تفاوت‌های بسیاری وجود دارد.

3. <https://bit.ly/321DjHc>

4. <https://bit.ly/2G9dOai>

مسیحیت باشد و یکی از جنبه‌های صرف خیریه‌های مردمی تبلیغ ادیان مختلف است. اما مسئله آنجا ایجاد مشکل می‌کند که وقف در خدمت سیاست‌های حکومتی قرار می‌گیرد. از آنجا که جمهوری اسلامی یک حکومت دینی است و مذهب رسمی آن شیعه اثنی عشری است، نفوذ یک نهاد حکومتی مانند سازمان اوقاف که در اختیار ولی فقیه است، وقف را از مدار طبیعی خود خارج می‌کند و خیریه‌های مردمی را در خدمت تبلیغ سیاست درمی‌آورد و به ابزاری برای حمایت از حکومت بدل می‌کند.

تسلط نهاد غیر دموکراتیک ولایت فقیه بر اوقاف

بر اساس ماده ۲ قانون تشکیلات حج و اوقاف، این سازمان از لحاظ اداری یک سازمان دولتی به شمار می‌رود و زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و رئیس «سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» هم توسط وزیر فرهنگ و ارشاد تعیین می‌شود؛ البته با یک تفاوت عمده که رئیس منصوب این سازمان باید مورد تایید رهبر جمهوری اسلامی و مقام ولایت فقیه باشد. این شرط در تبصره ماده یک قانون تشکیلات اینطور تبیین شده که «سرپرست سازمان باید از طرف ولی فقیه مجاز در تصدی اموری که متوقف بر اذن ولی فقیه است، باشد»! به همین دلیل هم در احکام انتصاب رئیس سازمان به صراحت به اخذ اذن رهبر جمهوری اسلامی در چنین انتصابی اشاره می‌شود.^۵

اداره موقوفات بخشی از وظایف سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است اما می‌توان گفت که در مورد اداره موقوفات نقش ولی فقیه و نماینده او که همان رئیس سازمان است، نقشی اساسی است. اداره تمام موقوفات عام و بخشی از موقوفات خاص تحت نظارت و اداره مستقیم اما با واسطه رهبر جمهوری اسلامی است؛ نظارتی که این سوال مهم را پیش می‌کشد که وابسته بودن اوقاف به یک رکن بنسبت سیاسی نظیر رکن رهبری در جمهوری اسلامی چه تبعاتی می‌تواند برای این نهاد دیرپا داشته باشد؟ رهبر جمهوری اسلامی یا به عبارتی ولی فقیه بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی طیف وسیعی از اختیارات با ماهیت سیاسی را دارد که همین مساله موجب شده است وقف دیگر پدیده‌ای صرفاً خیریه در جمهوری اسلامی نباشد و به وسیله‌ای برای اعمال سیاست‌های نظام حاکم هم بدل شود.

برای نمونه وقف با انگیزه حمایت از انرژی هسته‌ای یکی از انواع موقوفات با انگیزه سیاسی است که اخیراً در ایران رواج یافته و این در حالی است که کشور ایران با نهادهای بین‌المللی بر سر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای خود اختلافات عدیده‌ای دارد. از نمونه‌های چنین موقوفه‌های سیاسی وقف یکی از شهروندان

5. <https://iqna.ir/fa/news/3756352/>

[الاسلام-خاموشی-رئیس-سازمان-اوقاف-شد%E8%80%2Cحجت](#)

نظارت سازمان اوقاف و الزامات حقوق مدرن در استقلال
خبریه‌ها

یکی از اصول حقوق خیریه در نظام حقوقی انگلستان، استقلال خیریه‌ها از دولت و سیاست است؛ به نحوی که خیریه‌ها نباید به ابزاری برای اعمال سیاست‌های دولتی بدل شوند.^۱ این قاعده در حقوق ایالات متحده آمریکا هم جاری است و بر اساس قانون، سازمان‌های معاف از مالیات مانند سازمان‌های خیریه، از شرکت در کمپین‌های انتخاباتی عرصه سیاست منع شده‌اند.^۲ در کل هدف از وجود چنین قوانینی، حمایت از استقلال سازمان‌های خیریه از دخالت دولت و نیز منع دخالت سازمان‌های خیریه در سیاست، فراهم کردن ضمانت اجرایی برای صرف کمک‌های مردمی در امور خیریه و آلوده نشدن آنها به مقاصد سیاسی است؛ طوری که مردم از کمک‌های خیر ناامید نشوند و همچنان این نهادهای خیریه از جانب مردم حمایت شوند.

به بیان بهتر، در صورتی که استقلال خیریه‌ها از نهادهای حاکمیتی حفظ نشود، خیریه‌های مردمی از جمله اوقاف تبدیل به ابزاری در دست حاکمان برای نیل مقاصد سیاسی‌شان تبدیل خواهند شد. رویه‌ای که نه تنها در کشورهای غیر سکولار که در کشورهای دموکراتیک مانند بریتانیا نیز به سمت نگران‌کننده‌ای حرکت کرده است.^۳

در ایران اما وضع به گونه دیگری است و نهاد وقف به عنوان یک نهاد خیریه بشدت آلوده به سیاست است و استقلالی از حاکمیت ندارد. همین مساله یکی از خطرانی است که نهاد وقف با آن مواجه است. بر اساس ماده یک قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف، سازمان اوقاف اختیارات گسترده‌ای در رابطه با موقوفات دارد. بر اساس این ماده اداره موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا متولی‌اش مشخص نیست و همچنین اداره موقوفات خاص در صورتی که مصلحت وقف چنین ایجاب کند یا رفع اختلاف موقوف علیهم نیازمند دخالت ولی فقیه باشد، بر عهده سازمان اوقاف است. در این حقیقت وقف نهادی دینی است و یکی از جنبه‌های مصرف منافع آن ترویج دین اسلام است اشکالی وارد نیست. نهاد «تراست»^۴ در حقوق «کامن لا» هم می‌تواند در خدمت دین

1. https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/358888/rr7text.pdf
2. <https://www.irs.gov/charities-non-profits/charitable-organizations/the-restriction-of-political-campaign-intervention-by-section-501c3-tax-exempt-organizations>
3. <https://www.thirdsector.co.uk/independence-charities-undermined-says-report/governance/article/1167442>
4. Trust, <https://www.britannica.com/topic/trust-law>

وقف و الزامات حقوق مدرن



احسان حسینزاده

وقف در لغت به معنای حبس کردن و متوقف نمودن است اما وقف را فقها این گونه تعریف می کنند: «الوقف تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه» که معنای حبس کردن اصل مال و رها کردن منفعت آن است.^۱ به این معنی که اصل مال حبس می شود و دیگر قابل انتقال به شخص دیگری نخواهد بود اما منفعت استفاده از مال می تواند به شخصی که منظور نظر واقف است برسد.

وقف نهادی حقوقی است که از دین اسلام وارد حقوق ایران شده است. فقهای اهل سنت با اشاره به حدیثی از پیامبر اسلام یعنی «احبس اصلها و سبل ثمرتها» وقف را مورد تأیید قرار داده‌اند و فقهای شیعه هم بر مبنای موقوفه‌های اعطایی از امام شیعه این نهاد حقوقی را شناسایی کرده‌اند.^۲

در نهایت طی قرن‌ها این نهاد دینی وارد نظام حقوقی اغلب کشورهای مسلمان شده و همچنان خود را حفظ کرده است. قانون مدنی فعلی ایران مصوب سال ۱۳۱۳ هجری شمسی در ماده ۵۵ خود وقف را به عنوان یک نهاد حقوقی موردشناسایی قرار می‌دهد و دقیقاً تعریفی برابر با تعریف فقهی آن ارایه می‌کند: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود».

قانون مدنی در مواد ۵۵ تا ۹۲ خود به وضع قواعد وقف می‌پردازد و اصولی را برای تحقق قانونی وقف ارائه می‌کند. اصولی نظیر اهمیت

۱. مسجد سرای، حمید، توکیل در وقف، مجله پژوهش های فقهی، دوره ۱۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳
۲. طباطبایی، سید صادق، بررسی فقهی وقف پول، مجله فقه، سال بیستم، بهار ۱۳۹۲، شماره ۱

ایجاب و قبول در وقف، تحقق وقف با قبض وقف از سوی موقوف علیهم، لازم بودن وقف بعد از قبض، باطل بودن وقف بر مقاصد غیر مشروع و مواردی از این دست. اما شاید مهم‌ترین قانون مرتبط با وقف بعد از قانون مدنی، «قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» مصوب سال ۱۳۶۳ باشد که اختیارات ویژه‌ای را برای سازمان حج و اوقاف در زمینه نظارت و اداره موقوفات عام و نیز در مواردی موقوفات خاص در نظر می‌گیرد؛ نظارتی که با ظهور حقوق مدرن سوالات و ابهامات زیادی در درستی آن ایجاد شده است.

در واقع وقتی از وقف یا به طور کلی حقوق خیریه‌ها صحبت می‌کنیم موارد حقوقی مشخصی برجسته می‌شوند که نیاز به مذاقه دارند. یکی از محققان استرالیایی^۲ حقوق خیریه‌ها، بررسی چند عامل را در حقوق خیریه ضروری می‌داند: یک. آیا قالب حقوقی مشخص شده برای امور خیریه می‌تواند صداقت و درستی انگیزه خیریه‌ها را راستی آزمایی کند؟ دو. آیا در قالب چنین نهاد حقوقی، متولی یا مدیر خیریه وظایف خود را به درستی انجام می‌دهد یا از وظایف خود تخطی می‌کند؟ سه. نقش دولت در زمینه حمایت از خیریه‌ها (در موضوع بحث ما اوقاف) چیست؟ و چهارم اینکه چگونه می‌توان استقلال خیریه‌ها را حفظ کرد تا از نفوذ سیاست‌های حاکمیتی در امان باشند؟ در ادامه این نوشته به بررسی صحت این طبقه‌بندی ارائه شده در مورد وقف در حقوق ایران خواهیم پرداخت.

3. Chesterman, Michael, Foundation of Charity Law in the Welfare State, *The Modern Law Review*, Vol. 62, May 1999, No.3

اشاره‌ای به حفاظت از منابع طبیعی نمی‌شود و دوما اینکه اختیار نحوه تصرف منابع طبیعی هم در اختیار حکومت اسلامی و به طریق اولی ولی فقیه گذاشته می‌شود. اختیارات بی حد ولی فقیه‌ی که در نهایت سبب می‌شود شورای نگهبان با اعلام نظر خود دیوان عدالت اداری را مجبور به سکوت در قبال زمین‌خواری‌های سازمان اوقاف می‌نماید.^۴

وقف بر مقاصد حقوق بشر

کمک مالی برای اعتلای حقوق بشر یکی از اهداف متداول خیریه‌ها در تمام دنیااست. کمک برای تحقق اصول متعدد اعلامیه جهانی حقوق بشر از قبیل حمایت از کودکان، گسترش آموزش، حمایت از آزادی‌های فردی و اجتماعی و مشارکت دادن جمعیت‌های به حاشیه رانده شده در جامعه از جمله این موارد است. اما شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین ابزارهای خیریه در ایران، یعنی وقف، امکان ورود به مسائل حقوق بشری را ندارد. بر اساس حقوق ایران وقف می‌تواند برای مصالح عامه و امور خیریه باشد اما سوال اینجاست که آیا حقوق ایران فعالیت در راستای اعتلای وضعیت حقوق بشر مانند مبارزه برای دستیابی به برابری حقوق زنان، حفاظت از حقوق کودکان، حمایت از حقوق فعالان یا زندانیان سیاسی و یا حتی حمایت از اقلیت‌های جنسی مثل جامعه ال‌جی‌بی‌تی را جزو مصادیق امور خیریه به شمار می‌آورد یا خیر؟

متأسفانه قوانین ایران و همین‌طور رویکرد رهبر جمهوری اسلامی خلاف این مساله را اثبات می‌کند. به این مفهوم که امکان وقف برای نیت حقوق بشری در ایران وجود ندارد زیرا رهبر جمهوری اسلامی همواره از حقوق بشر نه به عنوان یک مفهوم نیک بلکه وسیله‌ای در دست دشمنان برای تضعیف جمهوری اسلامی تعبیر می‌کند.

برای نمونه‌ایشان ضمن یک سخنرانی، متهم کردن دائم ایران به نقض حقوق بشر را دستور کار اصلی جنگ روانی مستمر دشمنان دانسته و گفته است «برای تحقق این هدف، ایران‌هراسی، ایران‌ستیزی، ایران‌گریزی، اتهام نقض دموکراسی، نبود آزادی و نقض حقوق بشر مدام در تبلیغات بیگانگان تکرار می‌شود».^۵ متأسفانه رویکرد ولی فقیه در جمهوری اسلامی به عملکرد نهادهای امنیتی هم وارد شده و بسیاری از فعالان حقوق بشر با اتهامات واهی نظیر جاسوسی یا اقدام علیه امنیت ملی در زندان به سر می‌برند.^۶ بنابراین می‌توان گفت وقف برای نیت حقوق بشری در ایران امری غیر ممکن است.

- <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn.aspx?id00=/EcUu4qA7XI=&TN=+YmQoBqiDI54H2uNIgxQepyf/JaNpVPG&MN=csaqpt/F90o=&id=f5thcSX1T70=&tablename02=%20YmQoBqiDI6cn/yWjaVTxg==>
- <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2248>
- <https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-45130162>



بخشی از کوه دماوند و چند هزار هکتار از جنگل‌های ساری که جزو منابع طبیعی محسوب می‌شوند، وقف شده‌اند.^۱ شگفت‌آور اینکه در سال ۱۳۸۹ وقتی کارگروه مبارزه با زمین‌خواری در دومین مصوبه^۲ خود مقرره‌ای را به تصویب رساند که توافقات پیشین وزارت جهاد کشاورزی و سازمان اوقاف مبنی بر ارجحیت وقفیت اعیان بر منابع طبیعی را الغا می‌نمود، سازمان اوقاف با شکایت به دیوان عدالت اداری و با استناد به فتاوای مختلفی از روح الله خمینی و علی خامنه‌ای مقررات این مصوبه را ابطال کرد. بدین وسیله این کارگروه نتوانست جلوی زمین‌خواری سازمان اوقاف را بگیرد و از منابع طبیعی کشور محافظت کند.

هرچند مدیر کل دفتر حقوقی سازمان جنگل‌ها نیز با اشاره به قانون ملی شدن جنگل‌های کشور، وقف هر نوع از منابع طبیعی از جمله جنگل و کوه را غیرقانونی اعلام کرده است^۳ اما اشاره به این حقیقت ضروری است که بر اساس قوانین ایران حتی کوه و جنگل نیز در اختیار ولی فقیه گذاشته شده است. بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی انفال و ثروت های عمومی از قبیل کوه و جنگل در اختیار «حکومت اسلامی» است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید! در این قانون اولاً هیچ

- <https://www.radiofarda.com/a/demavand-sari-government-official-replaced/30764324.html>
- <https://www.mehrnews.com/news/2001431/> مصوبه-/
- <https://www.asriran.com/fa/news/739798/> سازمان-/

جنگل-ها-منابع-طبیعی-قابل-وقف-نیست

اسلامی سازمان اوقاف را متهم به مشارکت در زمین‌خواری کرد. بر اساس این گزارش «برخی از زمین‌خوارها با مراجعه به اوقاف، ادعا می‌کنند: زمینی داریم و می‌خواهیم به اوقاف بدهیم ولی سند نداریم. زمین بی‌صاحب اوقاف با درصدهای بسیار پایین، وقفش را می‌پذیرد و سند مالکیت برای شخص صادر می‌کند و طرف مقابل بنا بر این سند، صاحب زمین می‌شود و اوقاف نیز درصدی از آن برمی‌دارد؛ یعنی خود اوقاف اکنون بزرگ‌ترین زمین‌خوار کشور است»!^۱ این دست از فسادها در سازمان اوقاف در حد تحقیق و تفحص و ادعا نمانده است و در سال ۱۳۹۷ حجت الاسلام محمدزاده مدیرکل اوقاف استان تهران به اتهام زمین‌خواری در شهر قلعه حسن خان (شهر قدس) بازداشت شد.^۸

متأسفانه ضعف نظارت بر عملکرد سازمان اوقاف، نفوذ نادرست اما «قانونی» بیت رهبری در سازمان اوقاف و مهم‌تر از همه گره خوردن ماهیت وقف و سازمان اوقاف با مذهب رسمی کشور موجبات سوء استفاده افراد مختلف از جمله کارکنان و مدیران خود سازمان اوقاف از این نهاد خیریه شده است.^۹ این فساد و سوءاستفاده تا آنجا پیش رفته است که دامنه زمین‌خواری‌ها به زمین‌های دایر یا موات شهری محدود نمانده و منابع طبیعی هم مورد دست‌اندازی قرار گرفته‌اند که در جنجالی‌ترین این وقف‌ها

- <https://ana.press/fa/news/362129/39/> مدیرکل-اوقاف-/
- <http://www.ensafnews.com/158333/> تایید-بازداشت-سه-/
- [/مسوول-اوقاف-استان-تهر](#)

استان فارس است که ایشان یک واحد آپارتمانی را وقف انرژی هسته‌ای می‌کند و در مصاحبه خود با خبرگزاری فارس^۱ انگیزه خود را از چنین وقفی، «عمل به فرمایشات رهبری در حوزه انرژی هسته‌ای» عنوان می‌کند.

اما اگر از این انگیزه‌های موردی خلاف روح وقف بگذریم، شاید بزرگ‌ترین دلیل سیاسی شدن وقف در ایران را بتوان در وقف مساجد دید. بر اساس آمارهای رسمی^۲، وقف برای ساخت مسجد بیشترین حجم وقف در ایران را تشکیل می‌دهد. این به خودی خود ایرادی ندارد چرا که همانطور که ذکر شد یکی از انگیزه‌های اصلی وقف در سراسر دنیا وقف برای ترویج امور مذهبی است. اما ایراد اصلی این مساله زمانی آشکار می‌شود که متوجه می‌شویم زمام امور تمام مسجد در کشور بازمهم در دست رهبر جمهوری اسلامی و ولی فقیه است و مساجد ایران صرفاً محلی برای انجام امور مذهبی نیست بلکه محلی برای ترویج سیاست است و شاید بتوان گفت که درصد کمی از فعالیت‌های مساجد به عبادت و امور صرفاً دینی اختصاص دارد. در همین راستا بر اساس فرمان حکومتی^۳ که علی خامنه‌ای در سال ۱۳۶۸ صادر کرد، مرکزی بنام «مرکز رسیدگی به امور مساجد» ایجاد شد که در کنار سایر سازمان‌ها نظیر ستاد اقامه نماز و ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور^۴ به سیاست‌گذاری امور مساجد می‌پردازند. تمام این سیاست‌ها اساساً در راستای منویات سیاسی رهبر جمهوری اسلامی طراحی می‌شود. روندی که روزبه روز باعث رویگردان شدن مردم از نهاد وقف شده است و آمار موقوفه‌ها در بسیاری از استان‌های ایران^۵ کاهش یافته است.^۶

فساد و زمین‌خواری در سازمان اوقاف

نفوذ نهادهای غیردموکراتیک و ضعف نظارت بر اوقاف، باعث گسترش فساد و زمین‌خواری در این سازمان شده است. بر اساس گزارش ایرنا^۷ در سال ۱۳۹۳ کمیسیون اصل نود مجلس شورای

- <https://www.farsnews.ir/news/13910120000194/> 1.. ای-عمل-به-فرمایشات-مقام-معظم-E8%80%2Cوقف-در-حوزه-انرژی-هسته رهبری-است
- <https://www.borna.news/-آمار-491447/4-بخش-اجتماعی-> وقف-در-کشور-افزایش-داشته-است
- http://markaz.masjed.ir/Content/media/image/2457/05/2013_orig.pdf 3.
- <https://sccrir/pro/2113/> 4. اساننامه-ستاد-هماهنگی-E8%80%2Cکشور-های-فرهنگی-و-هنری-مساجد-کشور-E8%80%2Cکانون
- <https://www.tasnimnews.com/fa/-آمار-وقف-در-استان-البرز-کاهش-1575152/24/08/1396/> 5.
- <https://iqna.ir/fa/news/1259002/> 6. کاهش-آمار-موقوفات-خراسان-شمالی-نسبت-به-مدت-مشابه-در-سال-گذشته
- <https://www.irna.ir/news/81326449/> 7. وقتی-که-مجلسی-ها-اوقاف-را-به-زمین-خواری-متهم-می-کنند

شیرین عبادی:

اموال عمومی قابل وقف نیستند



علی‌اصغر فریدی

اصطلاحات زمین‌خواری، کوه‌خواری، دریاخواری و ... در یک دهه اخیر به بحث محافل و رسانه‌ها تبدیل شده است. به دنبال رسانه‌ای شدن تعرض به دامنه‌های کوه دماوند تحت عنوان وقف، مسئله وقف و امورات وقفی دوباره بر سر زبان‌ها افتاد.

برای بحث در این رابطه، سازمان حقوق‌بشر ایران با شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده جایزه صلح نوبل، گفت‌وگو کرده است.

خانم عبادی! وقف نهادی است که از فقه اسلامی وارد حقوق ما شده و به صورت سنتی زیر نظر مراجع دینی اداره می‌شده. به نظر شما با توجه به توسعه حقوق مدرن امکان خارج کردن این نهاد از حوزه دینی وجود دارد؟ و اساساً چه فواید یا مضراتی می‌تواند داشته باشد؟

در درجه اول شما ملکی را و مالی را که دارید، می‌توانید وقف بکنید و وقتی که قانون ملکیت منطقه و جایی را متعلق به عموم، یعنی اموال عمومی اعلام می‌کند، مالکیت خصوصی بر آن متصور نیست. همانطوری که نمی‌شود آب دریا را وقف

تشنگان اسلام کرد، و یا نمی‌توان اکسیژن هوا را وقف پیروان مسیح کرد، به همان صورت هم نمی‌شود جنگل‌ها و کوه‌هایی را که طبق قانون متعلق به عموم است و مالکیت خاص در مورد آن متصور نیست، وقف کرد.

بنابراین وقف فقط زمانی است که مالکیتی متصور باشد برای فردی در محدوده مقرراتی که خود واقف تعیین می‌کند و اگر واقف مقرراتی تعیین نکرده باشد در محدوده قوانین ناظر به وقف باید اداره بشود. در توضیح این مسئله باید بگویم، کسی که ملکی را وقف می‌کند می‌تواند شیوه استفاده از آن را هم تعیین بکند.

به عنوان مثال من اگر باغی داشته باشم و بخواهم آن را وقف بکنم و عنوان بکنم که اولاد ارشد من موظف هست که این باغ را نگهداری و از منافع آن هم به نفع خودش استفاده کند، و بعد از من اولاد ارشد این کار را خواهد کرد، بعد از اولاد ارشد هم می‌توانم بنویسم و تعیین بکنم که اولاد ارشد بازماندگان، یعنی همینطور به ترتیب هر نسلی اولاد ارشدش مالک این باغ می‌شود و سایر فرزندان من و بستگان من نصیبی نخواهند برد. و اگر من روشی را تعیین نکنم، اداره آن باغ با سازمان اوقاف خواهد بود. سازمان اوقاف یک سازمان دولتی است که

بعد از انقلاب مقرر شده که زیر نظر رهبر ایران اداره بشود.

با توجه به اینکه اداره سازمان اوقاف در اختیار ولی فقیه است، آیا می‌توان وقف با اشکال مدرن خیریه‌ها که در غرب می‌بینیم مقایسه کنیم؟ اساساً اختیارات حاکم اسلامی در اداره یا نظارت بر موقوفات تا چه اندازه است؟

آنچه که در ایران می‌گذرد نه اسلام است و نه قابل مقایسه با مقررات اسلامی است و نه با حقوق مدرن انطباق دارد. حقوق مدرن می‌گوید امور و املاکی که متعلق به همه و منافعش به عموم می‌رسد قابل تملک و در نتیجه وقف نیست. به عنوان مثال برای دریا یک محدوده‌ای تعیین شده، این محدوده و فلسفه تعیین و میزان آن جزو حقوق مدرن است. یعنی در پنج قرن قبل در هیچ کجای دنیا کسی فکر نمی‌کرد که سواحل دریاها و اقیانوس‌ها متعلق است به همه افراد جامعه و همه می‌توانند آزادانه از آن استفاده کنند. اما حقوق مدرن این حق را برای عامه مردم متصور شده است.

بنابراین در آنچه که کلاً در وقف هست، عیناً قابل تطبیق با قوانین مدرن نیست. مهمترین آن را من قبلاً اشاره کردم. خیلی از مسائل، یک زمانی می‌توانست جزو ملکیت باشد، اما بعد که حقوق مدرن آمد، از جمله در ایران، قوانینی تصویب شد که این میزان را محدود کرد و دیگر کسی نمی‌تواند مالک باشد و بنابراین نمی‌تواند وقف بکند.

اگر به استناد قانون اساسی

بخواهید کاری انجام بدهید

و اعتراضی بکنید، این

اعتراض به جایی نمی‌رسد،

چون اساس کار معیوب

است. برای هر نوع اصلاحی

در ایران باید قانون اساسی

تغییر کند

همچنین اختیاراتی که به عنوان ولی‌فقیه تعیین شده به هیچ وجه با مقررات اسلامی قابل انطباق نیست. هیچوقت در مقررات اسلامی تعیین نشده که کسی این اندازه از اختیارات را داشته باشد و حاکم بر جان و مال و ناموس مردم باشد و با حکم حکومتی بتواند هر حقی را ناحق بکند.

خانم عبادی همانطور که خودتان فرمودید، حکم حکومتی الان در ایران رایج است و در مواردی ولی‌فقیه از آن استفاده می‌کند، آیا با حکم حکومتی ولی‌فقیه می‌شود وقف را باطل کرد؟

اساساً حکم حکومتی یک پدیده نوظهور است که آن هم بعد از اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی به وجود آمد. قانون اساسی ایران از روز اول اشکالات عدیده‌ای داشت و وقتی که در سال ۱۳۶۸ اصلاح شد، نه تنها آن معایب را برطرف نکردند، بلکه معایب فراوان دیگری نیز به آن افزوده شد، از جمله واگذاری اختیارات به بی‌حد و حصر به رهبری و تبدیل ولی‌فقیه به ولی‌مطلقه فقیه.

بنابراین اگر بخواهیم قانون اساسی را در نظر بگیریم، تمام مشکلات ما از قانون اساسی است. من بارها گفته‌ام، اگر به استناد قانون اساسی بخواهید کاری انجام بدهید و اعتراضی بکنید، این اعتراض به جایی نمی‌رسد، چون اساس کار معیوب است. برای هر نوع اصلاحی در ایران باید قانون اساسی تغییر کند.

با توجه به کارنامه حقوق بشری جمهوری اسلامی، آیا می‌توان عین و مالی را در راستای ترویج اصول حقوق بشر وقف کرد؟

شرط اصلی این است که مال متعلق به خود شخص باشد، این شرط اساسی برای کلیه وقف‌ها است. اگر مال متعلق به خود شخص باشد، قانوناً می‌تواند این کار را بکند، اما در بسیاری از موارد می‌بینم قانون توسط خود حکومت نادیده گرفته می‌شود. علت دلیل من اینکه من می‌گویم که می‌تواند، این است که، حقوق‌بشر و ضوابط حقوق‌بشری مورد قبول دولت ایران است، دولت ایران با پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق‌بشر متعهد اجرای ضوابط آن شده است و چندین بار هم درخواست کرده که عضو شورای حقوق‌بشر سازمان ملل متحد بشود، که خوشبختانه رای نیاورده است.



بنابراین قانونا دولت ایران نمی‌تواند مانع چنین وقفی بشود و آن را غیرشرعی و غیرقانونی بداند. چون این ضوابط را خودش پذیرفته و اگر هم تا حالا عضو شورای حقوق‌بشر نشده، نتوانسته که رای بیاورد. پس بنابراین اگر قرار به احترام به قانون باشد، در همین محدوده قوانین معیوب جمهوری اسلامی هم می‌توان این کار را انجام داد.

اما از سوی دیگر می‌دانیم که جمهوری اسلامی ایران به قوانینی که خودش تصویب کرده احترام نمی‌گذارد. به عنوان مثال سال‌ها قبل آقای محمد صدیق کی‌دوند به اتهام تاسیس سازمان حقوق‌بشر کردستان به ۱۰ سال حبس محکوم و ۱۰ سال حبسش را هم کشید، این کجا می‌تواند قانونی باشد. که یک دادگاهی بگوید چون بدون اجازه من موسسه حقوق‌بشر درست کرده‌ای باید ۱۰ سال زندانی بشوید.

یا در مورد کانون مدافعان حقوق‌بشر که من و چند نفر از دوستانم تاسیس کردیم، تمام مشکلاتی که برای من و سایر دوستان، از جمله خانم نرگس محمدی، آقای سلطانی و آقای سیف‌زاده پیش آمد، فقط به خاطر تاسیس کانون مدافعان حقوق‌بشر بود که فقط کار حقوق‌بشری می‌کردیم. بنابراین مشکل این است که دولت ایران حتی به قوانینی هم که خودش تصویب کرده پایبند نیست.

با توجه به وجود گزارش‌های متعدد در مورد وقوع فساد و زمین‌خواری‌های گسترده در سازمان اوقاف، چه تدابیری از منظر حقوقی می‌توان اندیشید تا دامنه چنین فسادهایی کوچکتر شود و از بین برود؟

وقتی که صحبت از اصلاح قانون و ساختار می‌کنید، بارها گفته‌ام هیچ اصلاحی در ایران امکان‌پذیر نیست مگر اینکه قانون اساسی اصلاح بشود. تا زمانی که قانون اساسی اصلاح نشود، سایر قوانین یعنی قوانینی که باید بر روی قانون اساسی ساخته بشود هم قابل اصلاح نیست. مانند این است که شما بدون اینکه پی‌ریزی درستی داشته باشید، بخواهید یک عمارت بیست طبقه احداث کنید. طبیعی است که خراب خواهد شد.

بنابراین اگر صحبت از قانون می‌کنید که چه راهکار قانونی می‌توان پیدا کرد، پاسخ من به شما این است که با این قانون اساسی نمی‌توان راه‌حلی اندیشید که سازوکار درستی برای اینگونه امور به وجود بیاید.

صالح نیکبخت:

تهران‌خواری با جعل وقف‌نامه دوران صفوی

نهاد وقف یکی از کهن‌ترین نهادهای خیرخواهانه و مذهبی ایران است که هنوز در ایران رواج دارد. این نهاد که در ابتدا برای اعمال نیکوکارانه و خیرخواهانه و مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت، اخیراً مورد سوءاستفاده برخی افراد سودجو برای غارت اموال عمومی قرار گرفته است. مجله حقوق ما با صالح نیکبخت حقوقدان و وکیل دادگستری که خود با چندین پرونده بزرگ موقوفه در ارتباط بوده، گفت‌وگو کرده است.

این وکیل دادگستری در رابطه با مسئله وقف می‌گوید، «من شخصا به نهاد وقف یک دلبستگی خاصی دارم. البته مسئله وقف، مانند یک شمشیر دو لبه است، هم می‌تواند مثبت و هم می‌تواند منفی باشد.

نهاد وقف در مواردی موجب آسایش و رفاه مردم بوده که من به شخصه تاثیر مثبت آن بر زندگی مردم را دیده‌ام و در مواردی هم دیده‌ام که این نهاد عملاً به پایگاهی برای چپاول و غارت اموال عمومی مردم تبدیل شده است.

من در ابتدا قصد دارم به سابقه وقف یا چیزی شبیه نهاد وقف در حقوق ایران اشاره کنم، تا این مسئله را روشن کنم که نهاد وقف فقط یک مسئله‌ای نیست که در حقوق اسلامی وجود داشته باشد.

بر اساس مطالعاتی که من داشته‌ام، چیزی شبیه وقف، یعنی اینکه شخصی اموال یا املاکی را برای کارهای انسان‌دوستانه، آموزش و امور خیریه اختصاص بدهد، در دوره اشکانیان به

در یکی دو دهه گذشته به

دلیل طمع و منفعت‌طلبی

برخی، وقف‌سازی گسترش

فراوانی پیدا کرده است،

دلیلش آن است که چون

نمی‌توانند مستقیماً این

زمین‌ها را تصرف کنند، به

جعل و وقف‌نامه سازی روی

آورده‌اند

آتشفشان و دیگر بلایای طبیعی قرار بگیرد و به کلی از انتفاع خارج شود.

تسبیل منفعت هم به این معنی است که ما عایدات و منافع مال وقف شده در راه مشخصی که واقف، تعیین کرده هزینه کنیم، مثلا شخصی خانه‌ای را وقف مدرسه‌ای کرده است، ابتدا این ملک دیگر قابل خرید و فروش نیست اما از این ملک می‌توان بهره‌برداری کرد و آن را اجازه داد و درآمد آن را برای آن مدرسه هزینه کرد، یا ملک را در چند طبقه بسازیم و آن را اختصاص بدهیم به اسکان معلمینی که در مثلا در مدارس ناشنویان یا کم‌توانان ذهنی تدریس می‌کنند اختصاص بدهیم تا معلمین چنین مدرسی با انگیزه بهتری به تدریس بپردازند. برخلاف آنچه که در ظاهر شنیده و گفته می‌شود، مال موقوفه لزوما همیشه، مال غیرمنقول نیست، بلکه مال منقول را هم می‌توان وقف کرد. مثلا شخصی یک خودرو کادیلک را وقف می‌کند و از این خودرو برای مراسم‌ها و عروسی‌ها از آن استفاده می‌شود، چون این مال وقف شده قابل خرید و فروش نیست، پس از اینکه غیرقابل استفاده شد، می‌توان آن را به عنوان یک وسیله عتیقه در نمایشگاهی در معرض دید بازدیدکنندگان قرار داد و از محل فروش بلیط به بازدیدکنندگان از مال موقوفه بازهم درآمدزایی کرد.

من شخصا کتابخانه نسبتا بزرگی با حدود ۲۰۰۰ نسخه کتاب با موضوعات عمدتا حقوقی، تاریخی و سیاسی دارم که قصد دارم آن را وقف دانشگاه کردستان کنم.

کتاب هم علیرغم اینکه مال غیرمنقول نیست، اما قابل وقف است، چون عین آن به عنوان یک کالای نیمه سرمایه‌ای، مدتها طولانی می‌تواند باقی بماند و اگر هم به خوبی از آن نگهداری شود تا ابد می‌تواند باقی بماند. بنابراین وقتی می‌گوییم عین بدین معنا نیست که مال همیشه باید غیرمنقول باشد، بلکه مال منقول هم می‌تواند عین به حساب بیاید.

اگر کسی گذرش به مسجد افتاده باشد، گاهی در مساجد قرآن می‌آورند و به مردم می‌دهند تا آن را بخوانند، برای اینکه ثوابی برای شخص متوفی داشته باشد، وقتی به پشت کتاب نگاه می‌کنی، نوشته شده که مجموعه جزوات قرآن را فلان شخص وقف کرده برای اینکه ثواب خواندنش را نثار درگذشتگان بکند.»

وقف در قانون اسلامی

صالح نیک‌بخت در ادامه سخنانش گفت: «در اسلام به نهاد وقف توجه زیادی شده است. وقف اما عمدتا دارای دو شاخصه

اصلی است و آن اینکه وقف یا عام است و یا خاص. به صورت کلی بنا به قانون اسلامی در وقف، ما یک واقف داریم که مالی را وقف می‌کند، یک موقوفه داریم که عبارت است از مالی که وقف شده و همچنین موقوف‌علیهم یعنی کسانی که از وقف منتفع می‌شوند. علاوه بر اینها در وقف حتما باید یک متولی یعنی اداره کننده مال وقف شده هم وجود داشته باشد. اگر واقف شخصی را به عنوان متولی تعیین کرده باشد، حتما باید آن شخص اداره امور آن وقف را به عهده بگیرد، و اگر واقف بگوید که بعد از ایشان اولاد در اولاد او متولی وقف خواهد بود و ادامه اداره آن وقف به عهده اولاد متولی است. متولی اداره کننده اصلی مال موقوفه است و هیچکس حق ندارد در وظایف و اختیارات او مداخله بکند.

گاهی واقفین اگر خیلی مطمئن نباشند که متولی دقیقا به نظر واقف عمل بکند، در این حالت واقفین شخصی را به عنوان ناظر بر موقوفه انتخاب می‌کنند. برخلاف نظارت استصوابی که شورای نگهبان را به متولی مردم ایران تبدیل کرده، در نظارت استطاعی که به معنای طلب آگاهی کردن است، متولی به ناظر گزارش می‌دهد که در مثلا در مزرعه فلان در سال گذشته، این مقدار هزینه کرده‌ام و این مقدار هم درآمد داشته و این مقدار را در فلان جهت که واقف فرموده هزینه کرده‌ام. به دلیل پیچیدگی‌های خاص در مورد املاک وقفی، بهره‌برداری از آنها، چگونگی خرج کردن درآمدها، افراد دخیل در موضوع وقف و تعیین جانشین متولی‌ها و ... امر وقف به یک مسئله عمده حقوقی تبدیل شده و در مبحث مالکیت و قانون مدنی ایران به آن توجه شده و چون وقف عموما در راه‌های خیر و عام‌المنفعه و امور مذهبی به کار برده می‌شده است، اکثریت مردم به آن اعتماد و اعتقاد داشتند و به نوعی نهاد وقف از سوی مردم حالتی مقدس داشت و مورد احترام و اکرام بود.»

وقف خاص و وقف عام

به گفته صالح نیک‌بخت، «وقف عام یعنی اینکه مالی که وقف شده، دارای موقوف‌علیهم یا منتفعین معدود و قابل شمارش نیست و جمع کثیری را شامل می‌شود، مثلا یک فیزیكدان، ساختمان، امکانات و وسایل آزمایشگاهی و کتابخانه‌اش را وقف فیزیک‌دانان و تحقیقات آنها می‌کند. در این مورد تعداد فیزیک‌دان‌ها مشخص نیست و در زمان‌های مختلف تعداد فیزیک‌دان‌های آن منطقه که به کار تحقیقاتی می‌پردازند متفاوت خواهد بود.

یا مثلا شخصی ساختمانی را وقف دانشجویان مجرد می‌کند



وقفنامه‌ای از دوران صفوی جعل

کرده بودند. متوجه شدیم که

دو تاریخ‌که در این وقفنامه به

آن استناد شده، متعلق به دوره

نادرشاه افشار است و صد سال با

وقفنامه فاصله دارد



که از اطاق‌های آن ساختمان به عنوان خوابگاه استفاده کنند، در این حالت هم تعداد دانشجویان مشخص نیست، اگر این ساختمان سی اتاق داشته باشد، نمی‌توانیم بگوییم که باید به سی نفر اختصاص داده بشود، شاید در هر اتاق آن چندین تخت قرار بدهیم و چند دانشجو را در یک اتاق جا بدهیم. بنابراین به وقفی که در آن موقوف‌علیه‌ها مشخص و معین نباشد، وقف عام می‌گوئیم.

اداره وقف عام با متولی است، اما در قانونی که در سال ۱۳۵۶ در زمان شاه تدوین شد و تا اندازه‌ای اداره موقوفات را سازماندهی کرد، در آن زمان البته خیلی بیشتر از الان که نهاد وقف زیر نظر اداره اوقاف که رئیس آن را ولی‌فقیه تعیین می‌کند، نظر واقفین را رعایت می‌شد.

به هر حال در نهاد وقف چنانچه برای یک وقفی شخصی به عنوان متولی تعیین شده باشد، همان شخص باید به عنوان متولی اداره امور را به دست بگیرد و اگر برایش جانشین هم تعیین شده باشد، بعد از او باید همان جانشین تعیین شده به اداره امور بپردازد. اگر ناظری هم تعیین شده باید همان ناظر تعیین شده از سوی واقف به کار نظارت بپردازد. اما در نهایت نهاد وقف باید زیر نظر سازمان اوقاف ایران فعالیت کند که این سازمان از نهادهای وابسته به ولی‌فقیه یا رهبر ایران است. نوع دوم از موقوفات، وقف خاص است، به این معنا که شخصی می‌آید و می‌گوید که من مالک این زمین یا مزرعه یا این زمین‌های کشاورزی و این بخش از مراتع یا قنات و غیره و ذالک و یا مالک این خانه‌ها و مناطق بوده‌ام، این قسمت از املاک یا همه آن را به بر فلان فرزندم یا همه اولاد ذکور خودم وقف می‌کنم، به این گونه موقوفات، وقف خاص می‌گویند. در این حالت چنانچه واقف، متولی تعیین کرده باشد، متولی امور را انجام می‌دهد، در غیر این‌صورت خود موقوف‌علیه‌ها که تعدادشان محدود و مشخص است به آن املاک رسیدگی می‌کنند.»

صالح نیکبخت در ادامه سخنانش، از همکاریش با دکتر غلامعلی امیری که وکیل خانواده دکتر مصدق بوده، گفت. وی عنوان کرد، «هنگامی که ماموران شاه برای دستگیری دکتر مصدق به منزل وی رفته بودند، یکی از دخترانش از ترس ماموران چنان دچار وحشت شده بود که دچار ناراحتی روانی شد و تا آخر عمرش در یک بیمارستان روانی نگهداری می‌شد و دکتر مصدق قبل از فوتش مقداری از املاک خود را وقف هزینه درمان و نگهداری وی کرده بود و زندگی‌اش از طریق همین املاک وقفی خاص می‌گذشت. این املاک

همیشه در معرض چپاول افراد و اشخاص غیردولتی و گاه نیز در معرض تصرفات دولتی قرار می‌گرفت و املاکی که متعلق به دکتر مصدق بود و باید عایداتش صرف هزینه‌های زندگی و نگهداری دختر بیمارش می‌شد، مورد تعرض قرار گرفت و زندگی این دختر بیمار در تنگنا قرار داشت تا زمانی که در یک آسایشگاه روانی در سوئیس درگذشت.»

املاکی که قابل وقف نیستند

صالح نیکبخت، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری، در ادامه سخنانش با اشاره به تعرض اخیر به منابع طبیعی و دامنه‌های کوه دماوند گفت: «در ماه‌های اخیر تعرض به منابع طبیعی کشور ما اوج گرفته و کار به جایی رسیده که مقامات عالی مملکت هم نسبت به این موضوع هشدار داده‌اند. تعرض به منابع طبیعی که با اصطلاحاتی همچون کوه‌خواری، جنگل‌خواری، دریاخواری و رودخانه‌خواری در رسانه‌ها می‌خوانیم و می‌شنویم روز به روز در حال افزایش است.

تهران‌خواری با وقف‌نامه جعلی دوران صفوی

صالح نیکبخت در رابطه با وقف‌نامه‌های جعلی، از پرونده‌ای که خود به عنوان وکیل در آن حضور داشته به حقوق ما گفت: «حدود سال ۱۳۶۵ یا ۱۳۶۶ بود که شخصی به من مراجعه کرد و گفت، ملکی دارم در طرف‌های جنوب شرق تهران در منطقه دولت‌آباد مابین دولت‌آباد و اتوبان بعثت امروزی که آن زمان کوره‌پزخانه بود. وکالتش را به عهده گرفتیم. گفت که شخصی آمده و وقف‌نامه‌ای خطی را ارائه کرده و قصد تصرف زمین‌های من را دارد.

وقف‌نامه‌ای که این شخص ارائه کرده بود، مربوط به دوره پادشاهان صفوی بود. دقیق به یاد ندارم که مربوط به دوران کدام یک از پادشاهان صفوی بود، فکر می‌کنم مربوط به دوران شاه طهماسب بود. آنگونه که در وقف‌نامه آمده بود برخی از علمای آن زمان هم این وقف‌نامه را تأیید کرده بودند. از طرفی هم برای اینکه وقف‌نامه را تقویت کنند و به آن اعتبار بیشتری بدهند، آورده بودند که آیت‌الله کنی در دوره ناصرالدین شاه و ایت‌الله اومدرمانی و ... این مدرک و وقف را تأیید کرده است. این وقف‌نامه از شهرک غرب کنونی و سعادت‌آباد و آن اطراف با چند کیلومتر پهنا شروع و به طول دو یا سه برابر، به طرف جنوب تهران و قسمتی از شهر ری و همچنین مناطقی که در حال حاضر اتوبان بعثت و آن نواحی را در بر می‌گرفت امتداد داشت.

این شخص که این وقف‌نامه را با نام چهارده معصوم ارائه کرده بود و مدعی بود که این املاک وقف چهارده معصوم شده و قصد تعرض به ملک موکل من را داشت و علیه ما به دادگاه شکایت کرده بود، خود و خانواده‌اش را متولی این موقوفه می‌دانست.

در دادگاهی که به نام دادگاه‌های مدنی خاص در آن زمان که به امور وقفی هم رسیدگی می‌کرد، شخصی که رئیس آن دادگاه بود و شخصا به این پرونده هم رسیدگی می‌کرد و قصد ندارم نام ایشان را بیاورم چون نمی‌دانم که زنده است یا نه، در این پرونده متأسفانه من کمتر راه ثواب را در آن شخص در رابطه با این پرونده دیدم. مشخص بود که ارائه دهنده وقف‌نامه جعلی از قبل با او مذاکراتی را انجام داده بودند. این شخص البته بعداً در زمان ریاست آقای موسوی اردبیلی بر امور قضایی، به عضویت دیوان‌عالی کشور درآمد.

وقتی که ما در برابر وقف‌نامه‌ای جعلی که به خوبی روی آن کار شده بود و میل رئیس دادگاه هم بر جانبداری از

حاشیه رودخانه‌ها جزو حریم رودخانه محسوب می‌شود و جزو منابع طبیعی محسوب می‌شود، اما چون این مناطق خوش آب و هوا است، عده‌ای شروع به تصرف این مناطق می‌کنند. اما اگر به صورت شخصی حریم رودخانه‌ها را تصرف کنند، احتمال این می‌رود که گیر بیفتند و اگر هم قصد پرداخت رشوه و یا به اصطلاح عامیانه چرب کردن سبیل برخی از دست‌اندرکاران را داشته باشند، برایشان به قیمت گران‌تر تمام شود و به صرفه نباشد و باید مبالغ زیادی را بپردازند. برای تصرف حاشیه و حریم رودخانه و دیگر اراضی متعلق به منابع طبیعی، به سراغ نهاد وقف رفتند.

این افراد با جعلیاتی تحت عنوان وقف‌نامه (البته من نمی‌گویم که همه آنها جعلی هستند و می‌تواند برخی از آنها، اصلی هم باشد) به برخی از زمین‌ها و مراتع و ... که متعلق به منابع طبیعی بوده تعرض کرده‌اند. من شخصا در پرونده‌هایی به عنوان وکیل حضور داشته‌ام که از جعل وقف‌نامه، برای تصرف و تعرض بهره برده بودند.

صاحبان وقف‌نامه بود، یکباره به ذهنم رسید که این تاریخ‌های قمری مندرج در وقف‌نامه با زمان صفوی همخوانی ندارد و برخی از این اشخاصی هم که آن را تأیید کرده‌اند، اصلا شاید وجود خارجی نداشته باشند. بنابراین اعلام کردم که من به تاریخ‌های مندرج در این مدرک ایراد دارم و از رئیس دادگاه خواستم که از گروه تاریخ دانشگاه تهران سوال بشود که این تاریخ‌ها مورد به دوره کدام یک از پادشاهان است؟

در نهایت با اعلام دانشگاه تهران ما متوجه شدیم که دو تا از تاریخ‌هایی که در این وقف‌نامه به آن استناد شده، متعلق به دوره نادرشاه افشار است و صد سال با این وقف‌نامه فاصله دارد، همچنین اشخاصی که به عنوان علمای آن دوره مطرح شده بودند، در آن تاریخ‌ها و شرح احوال دوران آن پادشاه وجود نداشته‌اند.»

وقف می‌تواند مثبت و خیرخواهانه باشد

اگرچه در طول سالیان اخیر از وقف سوءاستفاده شده و این سوءاستفاده‌ها ذهنیت مردم را کمی نسبت به این موضوع تغییر داده، اما به گفته صالح نیکبخت، در تاریخ معاصر ایران کم نیستند انسان‌های خیری که املاکی را وقف کرده و بخش بزرگی از مردم از آن بهره برده‌اند. در این مصاحبه آقای نیکبخت از دو وقف بزرگ که خود او به نوعی، به عنوان وکیل در آن دخیل و از جزئیاتش آگاه بوده به عنوان وقف مثبت نام برد و تاریخچه آن را برایمان بازگو کرد.

«در زمان رضا شاه در تهران شخصی بوده به نام حاج ابوالقاسم مفرح، او که از بازاریان تهران و مرد نیک‌نامی بوده، تا نیمه دوران نهضت ملی شدن نفت زنده بود. حاج ابوالقاسم مفرح چون هر شب جمعه آبگوشت نذر می‌کرد و فقرا از آن تناول می‌کردند، به حاج ابوالقاسم آبگوشتی معروف شده بود.

در سال ۱۳۲۱ که تهران در تصرف نیروهای بیگانه یعنی متفقین بود، حاج ابوالقاسم مفرح کل دهکده یاخچی‌آباد، و قسمت‌هایی از نازی‌آباد و خانی‌آباد، به همراه قلعه مالکانه‌ای با حدود هشت هزار متر مربع در همان حوالی و چندین رقبه ملک در بازار تهران، از جمله در خیابان مخبرالدوله، لاله‌زار، خیابان سپه که در آن زمان سردار سپه نامیده می‌شد و الان به خیابان امام خمینی نام‌گذاری شده، وقف کرد.

در این املاک وقفی و در زمانی که طاعون و وبا سراسر ایران را در بر گرفته بود، بیمارستانی وقفی ساختند، برای معالجه رایگان بیماران و اگر بیماری پس از معالجه هزینه برگشت به شهر یا روستای خود را نداشت هم باید هزینه سفرش را مهیا



می‌کردند.

نزدیک به هفت هزار رقبه، یعنی هفت هزار واحد ملکی در این موقوفه با اجازه اندک به مردم کم درآمد داده شد و همچنین زمین آنجا را چون مال وقف شده قابل فروش نیست به اجاره پایین به اقشار کم درآمد واگذار شد برای خانه‌سازی.

همچنین در این ملک که حاج ابوالقاسم مفرح وقف کرده بود و فرزند ارشدش متولی آن بود، و بنده هم نزدیک به سی سال وکیل آنها بودم، علاوه بر نزدیک به بیست دبیرستان و هنرستان و یک دانشکده تربیت مدرس که ساخته شد، خانم فرح پهلوی در زمینی به مساحت ۳۰۰ هزار متر در همین املاک وقفی مرحوم مفرح، مجتمع آموزشی ساخت متشکل از مدارس ابتدای، راهنمایی و دبیرستان هم دخترانه و هم پسرانه.

البته برخی از زمین‌ها را هم سازمان‌های دولتی تصرف کرده بودند که حتی در یک مورد ما توانستیم حکم تخلیه اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۹ را از دادگاه بگیریم و زمانی که آموزش و پرورش فهمید که راه دیگری ندارد، حاضر شد که پول زمین را به صورت اقساط پرداخت کند.

موقوفه مفرح که پس از آستان قدس رضوی دومین موقوفه

بزرگ ایران است، یکی از نهادهای وقفی بسیار ارزشمندی است که موقوفه، حقیقتا در راه رفاه و آسایش مردم به کار گرفته شد.

حاج حسین ملک، از واقفان بزرگ آستان قدس

صالح نیکبخت که خود از وکلای دختران حاج حسین ملک یکی از واقفان بزرگ به آستان قدس رضوی و در واقع بزرگترین واقف تاریخ معاصر ایران بوده، می‌گوید، «حاج حسین ملک فرزند ملک‌التجار اموال، املاکی و مزارعی را که وقف آستان قدس رضوی کرده در نوع خود بی‌نظیر و می‌توان گفت که دو پنجم موقوفات آستان قدس در خراسان از سوی وی بوده است.

علاوه بر املاک و مزارع و زمین‌های اطراف مشهد، تربت حیدریه، تربت جام به همراه پنج یا شش کارخانه تولید قند و … که حاج حسین ملک وقف آستان قدس رضوی کرده بود، و در کتابی ۱۵۰ یا ۱۶۰ صفحه‌ای که حاوی تمامی وقف‌نامه‌های حاج حسین ملک است، وی یکی از بزرگترین مزارع منطقه به نام مزرعه خاکستری که ۱۰۵ هکتار از آن که سهم خودش بود را، وقف خرج و مخارج طلاب اهل سنت

و تشیع تربت جام کرد و در وقف‌نامه آمده بود که هیچکس حق ندارد سهم طلاب اهل تسنن و یا طلاب اهل تشیع را از آنها بگیرد. که این عدم تبعیض به نظر من کاری ارزنده بوده و چنین اشخاصی شایسته احترام هستند.

در کل مزرعه خاکستری که مجموعا ۲۱۰۰ هکتار و ۱۰۵۰ هکتار آن سهم حاج حسین ملک بود، حدود ۴۰ چاه عمیق وجود داشته که بخش عمده خربزه شهر زیارتی مشهد را تامین می‌کرده است.

پس از انقلاب ۵۷ آستان قدس رضوی به جان آقای دکتر خلیل ضیائی که داماد حاج حسین ملک و متولی مزرعه خاکستری بود افتاد و به بهانه اینکه در این مزارع رعایت وقف نشده، قصد مصادره آن را داشتند اما در یک دادگاه عالی در قم، سرانجام ما توانستیم به نفع این موقوفه رای بگیریم.

و اما فلسفه اینکه حاج حسین ملک بخش عظیمی از املاک و مزارع خود را وقف آستان قدس رضوی کرد و برای چهار دخترش مال چندانی باقی نگذاشت، این بود که چون وی از مشروطه‌خواهان و از دوستان و همفکران ملک‌الشعرای بهار بود، با رضا شاه رابطه خوبی نداشت. از ترس اینکه رضا شاه این املاک را از دست وی در آورد، تقریبا تمامی اموالش را وقف آستان قدس رضوی کرد چون می‌دانست که رضا شاه نمی‌تواند به اموال متعلق به امام هشتم شیعیان دست بزند.

همانند هر موقوفه دیگری، حاج حسین هم برای هر کدام از موقوفاتش ناظری خاص تعیین کرده بود، اما گفته بود، تولیت اداره موقوفات عظیمی را که به آستان قدس داده است، استاندار خراسان باشد و بعد گفته است که دادستان کل کشور هم از طریق دادستان استان خراسان باید ناظر بر این موقوفات باشد.

در آن زمان دادستان‌ها شخصیت‌های برجسته، نام‌آور و اغلب پاک‌دامن بودند، بگذریم از اینکه در رژیم کنونی هرکس و هر شخصی که مربوط به حکومت گذشته باشد را آدم بد و هرکس که به جای کراوات تسبیح و ریش داشته باشد، آدم خوبی حساب می‌کنند.»

تخریب منابع طبیعی و سوءاستفاده از وقف

صالح نیکبخت حقوقدان و وکیل دادگستری، در رابطه با افزایش تعرض به منابع طبیعی و حاشیه رودخانه‌ها در ایران می‌گوید: «در یکی دو دهه گذشته به دلیل طمع و منفعت‌طلبی برخی، وقف‌سازی گسترش فراوانی پیدا کرده، دلیل آن هم این است که عده‌ای که چشم طمع به منابع

طبیعی و حریم رودخانه‌ها دارند، چون نمی‌توانند مستقیماً این زمین‌ها را تصرف کنند، به جعل و وقف‌نامه سازی روی آورده‌اند و افزایش تعداد امام‌زاده‌ها در کشور نیز به همین دلیل است.

افرادی که در صدد تصرف منابع طبیعی که ملک همگان است، وقف‌نامه‌هایی را جعل و برای اینکه کمتر ایجاد شک و شبهه بکند، به جای وقف خاص، ملک مورد نظر را به نام یکی از امامان یا مقدسین مذهبی، وقف عام می‌کنند و خود و فرزندان‌شان را به عنوان متولی معرفی و سهمی از وقف را برای متولی که خودشان هستند نگه می‌دارند.

تمامی موقوفات عام زیر نظر سازمان اوقاف اداره می‌شود، در واقع نظارت سازمان اوقاف بر موقوفات ابتدا در قانونی که در سال ۱۳۵۶ در دوران حکومت قبلی تدوین شد، فکر می‌کنم در دوره معاونت نخست‌وزیری عصار که همزمان رئیس سازمان اوقاف هم بود این کار انجام شد. عصار که خود روحانی‌زاده و مدت‌ها هم رئیس سازمان اوقاف بود، مقداری وضعیت موقوفات را سامان داد.

بعد از انقلاب ۵۷ و در زمان جمهوری اسلامی مجدداً تغییراتی در سازمان اوقاف به وجود آمد و موقوفات عام، به غیر از آستان قدس رضوی، شاهچراغ شیراز، موقوفه حضرت معصومه در قم و شاه‌عبدالعظیم در شهر ری، کلاً زیر نظر سازمان اوقاف و نهاد ولی‌فقیه قرار گرفت.

در سال ۱۳۴۱ که شاه ایران، انقلاب سفید یا انقلاب شاه و مردم را انجام داد، اصل دوم قانون آن انقلاب مربوط به ملی شدن جنگل‌ها و مراتع بود. در انقلاب سفید، شاه اراضی کشاورزی را که در دست مالکین و فئودال‌ها بود، بین زارعین تقسیم و در عوض این زمین‌ها از کارخانجات دولتی به مالکین سهام کارخانجات دولتی را واگذار کرد.

پس از واگذاری زمین‌های کشاورزی به زارعین و تحویل سند این زمین‌ها به آنها، بنابه اصل دوم انقلاب شاه و ملت، جنگل‌ها، مراتع و زمین‌هایی که نه جنگل بود و نه مرتع اما قابلیت احیا داشت را ملی اعلام و انتقال آن به دولت به تصویب رسید. در سال ۱۳۴۲ قانون وسیع، گسترده‌ای و دقیقی در مورد نحوه اداره این جنگل‌ها و مراتع و نحوه ملی شدن آنها، و تعیین تکلیف مناطقی که اگر مورد اختلاف بود تعیین شد.

به موجب ماده ۵۶ آن قانون، کمیسیونی مرکب از رئیس دادگستری شهر، دادستان شهر، فرماندار، نماینده اداره کشاورزی، نماینده سازمان جنگلبانی و فکر می‌کنم نماینده انجمن شهر یا شهرستان، در این این کمیسیون جمع می‌شدند



موقوفه مفرح که پس از آستان قدس رضوی دومین موقوفه بزرگ ایران است، یکی از نهادهای وقفی بسیار ارزشمندی است که موقوفه، حقیقتاً در راه رفاه و آسایش مردم به کار گرفته شد

از خرده مالکین روستاها بودند، قانونی را در سال ۱۳۶۷ گذراندند که مجدداً در قانون ماده ۵۶ مورد بازبینی و بررسی قرار بگیرد. با این حال این اشخاص نتوانستند چندان کاری را به پیش ببرند، تا اینکه در دوره مجلس ششم به ریاست آقای کروبی ماده واحده‌ای را گذراندند برای هدایت و تقویت این اموال عمومی و اعلام کردند، اموال منابع طبیعی (چون صاحبش منابع طبیعی بود) به هیچ عنوان قابل واگذاری و همچنین قابلیت وقف ندارد.

در قانون سال ۱۳۴۲ هم قید شده چنانچه اموال و املاکی جزو منابع طبیعی تشخیص داده شود و روی آن وقف‌نامه‌ای وجود داشته باشد، پس از بررسی و رسیدگی در کمیسیون اصل ۵۶

قانون جنگل‌ها و مراتع، چنانچه نظر کمیسیون درست باشد و آن ملک جزو املاک منابع طبیعی تشخیص داده شود، اسناد موقوفه باطل خواهد شد.

متأسفانه در دو دهه گذشته به ویژه با افزایش جمعیت و تحولاتی که در دنیا به وجود آمده و میل انسان‌ها به اینکه، به قول ما کردها، جایی برای بیلاق و قشلاق داشته باشند، مسئله تعرض به زمین‌های منابع طبیعی در کوهستان‌ها، در کنار دریاها و دریاچه‌ها، در کناره و حریم رودخانه‌ها افزایش یافته و مسئله سندسازی و وقف‌نامه‌سازی برای تصرف و تملک این اموال عمومی رواج یافته است.

چنانچه که می‌دانیم اخیراً مسئله وقف بعضی از قسمت‌های کوه دماوند مطرح شد، اگرچه داستان این قضیه به صورت کامل مطرح نشد. اما آنچه که رئیس سازمان منابع طبیعی اعلام کرد و من شخصا از یکی دو نفر از کارشناسان و وکلایی که می‌شناسم، شنیدم که هنوز از آن یازده قسمت دامنه کوه دماوند که مرتع بوده تا سینه کوه، هنوز دو قسمت از آن باقی مانده و به منابع طبیعی برگردانده نشده است.

یکی دیگر از موارد اخیر تعرض به منابع طبیعی به نام وقف، که کمتر رسانه‌ای شد، مورد آقچای در مازندران است که ۵۶۰۰ هکتار از بهترین زمین‌های این منطقه را شخصی با نام دین و مذهب و مقدسات و سوءاستفاده از دین و نام‌های مذهبی قصد دارد به تملک خود در بیاورد و هنوز تکلیف آن نامشخص است.»

صالح نیکبخت در پایان سخنان‌ش، گفت: «در گذشته هم در جاهایی وقف‌نامه‌سازی به نام مقدسین وجود داشته و حتی در مناطقی امام‌زاده‌هایی را ساخته‌اند که چنین شخصی اصلاً وجود نداشته. من شنیده‌ام که از آیت‌الله مرعشی که عالمی آگاه و اهل مطالعه بوده، نقل کرده‌اند که گفته است، بسیاری از این امام‌زاده‌هایی که الان وجود دارند، صحت اینکه این‌ها امام‌زاده بوده‌اند تأیید نشده است.

در سال‌های اخیر بنا به گفته سازمان اوقاف که خود متولی این امور است، تعداد امام‌زاده‌ها بسیار زیاد شده، به طبع افزایش امام‌زاده‌ها تعداد املاک منابع طبیعی هم که مورد تعرض وقف‌نامه‌سازها مورد تعرض قرار می‌گیرد، افزایش یافته و چنانچه می‌دانیم حتی از تعرض به کوه دماوند هم نگذشتند. به این ترتیب، وقف که در ابتدا در ایران برای کارهای خیرخواهانه و کمک به مستمندان و امور مذهبی مردم بنیاد نهاده شده بود، از سوی عده‌ای به پدیده‌ای برای غارت و تعرض به اموال عمومی تبدیل شده است.»

گیتی پورفاضل:

وقف، همان «نهادک» در زبان پهلوی باستان است

و قوانین و اصطلاحات وقفی، گفت‌وگوی کوتاهی با خانم گیتی پورفاضل وکیل دادگستری انجام داده است. آن‌چه در پی می‌آید، گفته‌های خانم پورفاضل است.

«از هنگامی که بشر با اندیشه آفرین‌گرش، برای خود دین درست کرد، برای دین‌اش، بتخانه و مهرآوه، معبد و کلیسا، کنشت و مسجد را بنا کرد، وقف را هم ساخت. مردمی که دارای مال و ثروت بودند برای ثواب بخشی از مال خویش را برای هزینه‌های آن بناها که در نگاهشان مقدس بود، اختصاص می‌دادند تا روحانیون آن‌گونه که می‌خواستند از آن سود بجویند.

وقف در فرهنگ پهلوی «نهادک» و در واژه‌نامه برهان به جای وقف، واژه «وَرستاد» آمده است. وقف دارای پیشینه بسیار کهنی است که کوتاه شده‌اش چنین است. برای آن که از واژگان پارسی سود بجویم بجای وقف واژه نهادک را به کار می‌گیریم.

بنابر قوانین دوره ساسانیان که به جای مانده، هرگاه شخصی در زمان زنده بودنش بخشی از مال خود را برای کاری ویژه به صورت نهادک یا همان وَرستاد قرار دهد، پس از مرگش

فرهنگ وقف یکی از سنت‌های قدیمی است که نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای دنیا و به ویژه در ممالک اسلامی رواج داشته و هنوز رایج است. برخی می‌گویند که وقف یکی از راه‌های ادامه نیکوکاری و کمک به هم‌نوعان است که واقف با وقف اموال و املاک خود برای امور خیریه و عام‌المنفعه، درآمد آن موقوفات را به امور خیریه اختصاص می‌دهد.

البته وقف فقط شامل کمک مادی به افراد بی‌بضاعت نیست و کمک به آموزش و آگاهی‌دهی به جامعه نیز می‌تواند در حیطه وقف قرار گیرد. برای نمونه قدیمی‌ترین وقف ثبت‌شده در حیطه آموزش مربوط به روم باستان است. در روم باستان اولین کرسی فلسفه توسط مارکوس آئورلیوس پادشاه روم وقف شد. او برای هر یک از مکاتب فلسفی وقت یک کرسی مستقل ایجاد کرد.

در فقه اهل سنت و امامیه وقف دارای اعتبار خاصی است، از نظر این مذاهب یکی از خصوصیات انسان مؤمن تخصیص دادن قسمتی از مالش برای نیازمندان است.

مجله حقوق ما در رابطه با وقف و پیشینه آن در ایران باستان

ریگیران (وراث) نمی‌توانند آن را به فروش برسانند یا کاربری‌اش را آن‌گونه که خواسته وَراستنده (واقف) بوده، به انجام نرسانند.

در باور نیاکان ما، کارهایی که به تنگدستان سود برساند، در جهان مینوی، دارای پاداش نیکوست. پس از اسلام نیز همان نهادها بکار برده شدند. امروز در قانون مدنی ما از ماده ۵۵ تا ۹۱ درباره وقف نوشته شده است.

هرگاه واقف مال را برای موضوع خاصی قرار دهد، مانند وقف بر اولاد یا مثلاً وقف بر دانشجویان دانشکده پزشکی، وقف خاص گویند، اما اگر برای کارعام‌المنفعه مانند ساختن مدرسه یا مسجد و بیمارستان باشد، آن را وقف عام گویند.

در وقف، عین مال حبس و منافع آن تسبیل می‌شود و مانند هر عقدی، دارای ایجاب و قبول و قبض است. وقف مالی جایز است که با بقاء عین بتوان از منفعت آن استفاده کرد.

واقف می‌تواند اداره مال موقوفه‌اش را تا زنده بودن خود بر عهده داشته باشد یا می‌تواند تولیت آن را به شخص یا اشخاصی بدهد که بطور مشترک یا هریک از متولیان به تنهایی اداره کنند.

وقف دارای سه گوشه است. مالک ملک که واقف گفته می‌شود. موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی که یا محصورند (مانند وقف بر اولاد) یا اگر غیر محصور باشند (یعنی وقف عام) قبول حاکم شرط است. به هر حال واقف باید صاحب و مالک ملک وقفی باشد.

تولیت در وقف خاص مشخص است و در وقف عام حاکم است. قبض ملک که باید به تولیت یا حاکم داده شود. اگر واقف برای اداره مال موقوفه ترتیبی ویژه معین کرده باشد باید به همان‌گونه که او خواسته عمل شود.

متولی تعیین شده پس از صورت گرفتن وقف از سوی واقف یا حاکم نمی‌تواند عزل شود مگر این که خیانت‌اش ثابت شود. متولی نمی‌تواند تولیت را به دیگری واگذار کند مگر این که چنین اجازه‌ای از سوی واقف به او داده شده باشد.

در اوقاف عامه که متولی معین نداشته باشد برابر ماده ۸۱ قانون مدنی اداره موقوفه طبق نظر ولی فقیه خواهد بود.

وقف در روم باستان نیز بوده و به طور کلی هرکجا روحانیت متولی بنایی خاص بوده‌اند، برای ثواب مردم را ترغیب به وقف کرده و می‌کنند. امروز اداره اوقاف ما یکی از ثروتمندترین نهادهای کشور است.



حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الكترونيكي تخصصي حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net

